

دکتر علیرضا صدرا*

گرایش‌های عمده فکری سیاسی مسلمانان در تاریخ و جهان اسلام و ایران

چکیده: دانش سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران، از حیث روند زمانی، دو سیر کلی را از ابتدا تاکنون طی نموده است: یکی سیر حیات تفکر سیاسی، در طول قرون اولیه و میانی یعنی تا اواخر قرن هشتم هجری. دیگری سیر تجدید حیات تفکر سیاسی مربوط به قرون متأخر و زمان معاصر. هر یک از این دو سیر، دارای چند مرحله اصلی هستند. اندیشه و دانش سیاسی در دوران شکوفایی خویش بویژه طی قرون میانی، از حیث گستره و عمق، به چهار گرایش عمده تقسیم می‌گردد:

۱. گرایش فلسفی سیاسی؛ ۲. گرایش علمی سیاسی؛ ۳. گرایش فقهی سیاسی؛ ۴. گرایش فنی (عملی) سیاسی.

مقاله حاضر به بررسی گذرای چیستی و اهم مسایل هر یک از این گرایش‌های گوناگون اندیشه و دانش سیاسی می‌پردازد. همچنین پیشینه، پیدایی و سیر تحولات آنها را روشن می‌نماید. کما اینکه پیشتازان، بنیان‌گذاران و پیروان و شخصیت‌های شاخص هر گرایش و آثار برجسته در این زمینه‌ها را معرفی می‌کند. در عین حال به ساختار دانش سیاسی متشکل از گرایش‌های چهارگانه مزبور می‌پردازد. ساختاری بسان یک نظام علمی واحد و فرابردی به هم پیوسته که از تعامل ذهن و نظر با عین و عمل سیاسی حاصل می‌گردد.

واژگان کلیدی

گرایش‌های فکری سیاسی، فلسفه سیاسی، علم سیاسی، فقه سیاسی، مدیریت

سیاسی، اسلام، ایران.

پیش درآمد

دانش و اندیشه‌های سیاسی مسلمانان، در روند تحولات خویش در تاریخ اسلام و گستره جهان اسلام و ایران، دو سیر کلی را از ابتدا تاکنون از سرگذرانده است:

یکی سیر حیات تفکر سیاسی

دیگری سیر تجدید حیات تفکر سیاسی

سیر حیات تفکر سیاسی در میان مسلمین، از همان ابتدای ظهور اسلام و بویژه شروع نهضت اسلامی و تشکیل امت، دولت و نظام سیاسی اسلام آغاز شد. این تفکر پس از دوران رسالت، با طرح دو نظریه و نظام خلافت و امامت توسط اهل سنت و شیعه وارد مرحله نوینی گردید. این سیر در فرآیند تحولی خود با طی سه مرحله اصلی تا قرون هفتم و هشتم هجری تداوم یافت. به تعبیر عبدالکریم شهرستانی در کتاب ملل و نحل خویش، اساس و محور اندیشه‌ها و اختلاف آرا در این میان، از همان ابتدا همواره بحث امامت و خلافت بود، بدین ترتیب که نخست موضوع بحث بر سر اشخاص بود و کم‌کم وارد اصول گردید. (۱) به تعبیری این سیر را می‌توان گذار از عمل به نظر تا رسیدن به عمیق‌ترین و عالی‌ترین مراتب اندیشه‌ورزی و انتزاعات ذهنی دانست. کما اینکه سیر تجدید حیات تفکر سیاسی، در ایران و جهان اسلام که پس از گذشت چندین قرن از واپسین بالندگی‌های اندیشه سیاسی، بار دیگر آغاز شد، اندیشه بازگشت به اسلام و عمل بدان است. این سیر نیز تاکنون طی سه مرحله اصلی؛ یعنی مرحله بازخیزی و اصلاح‌گری سیاسی، مرحله بازگشت و انقلاب مشروطیت و مرحله بازسازی و انقلاب اسلامی پیش آمده است. اواخر دوران صفویه در ایران را می‌توان سرآغاز این سیر دانست. این زمان توجه و آگاهی مسلمانان به عقب‌ماندگی‌های خویش بویژه در مقایسه با کشورهای غرب و در مواجهه با استعمار، نفوذ و سلطه‌گری آنها شروع می‌شود. اساس و محور این سیر، خودآگاهی و بازگشت به خویشتن اسلامی مسلمانان در جهت اصلاح‌گری و انقلاب سیاسی، در مقابله با استبداد و عقب‌ماندگی داخلی از یک سوی و نیز سلطه و نفوذ خارجی از سوی دیگر می‌باشد.

مراحل سه‌گانه سیر حیات تفکر سیاسی نیز، بترتیب شامل اهم موارد زیر هستند:

۱. مرحله شکل‌گیری اندیشه سیاسی؛

۲. مرحله شکوفایی؛

۳. مرحله پس از شکوفایی؛

مرحله شکل‌گیری اندیشه سیاسی، پس از دوران رسالت و بویژه از زمان جانشینی یا خلافت و امامت آغاز شد و با طی چندین دوره به سر حد نهایی خویش در اواسط قرن دوم هجری رسید. در دوره نخست، بحث بر سر رهبری سیاسی اشخاص بویژه خلافت ابوبکر یا امام علی (ع) بود؛ آن هم در حد اتخاذ مواضع و اعلام آن در طرفداری یا مخالفت با این یا آن شخصیت سیاسی. مسلمانان بتدریج در راستای دفاع از مواضع خویش، به توجیه و آنگاه تبیین نظرات سیاسی پرداختند. کم‌کم با هم‌گرایی و شکل‌گیری اشخاص و گروه‌های طرفدار هر یک از جریان‌های اصلی، به ترسیم خطوط سیاسی و سرانجام آرایه اصول و مبانی و در نهایت تنظیم آنها پرداختند. بدین ترتیب مذاهب و گروه‌های عمده فکری و علمی سیاسی شکل گرفته و کم‌کم ظهور و بروز نمودند. این جریان‌ها و گروه‌ها عبارت بودند از: یکی مرجئه (مُرجئه) یا اهل سنت بسان اکثریت کم‌وبیش غالب، حاکم و رسمی. اینان چه بسا جزء طرفداران، توجیه‌گران و نظریه‌پردازان قدرت‌ها و دولت‌های حاکم و ضامن حفظ و تحکیم وضع موجود بودند. دوم شیعه و از جمله زیدیه و اسماعیلیه، که گروه اقلیت مغلوب و معارض یا انقلابی بودند و نیز خوارج که گروه و جریان تند رو یا شورشی بودند. شعوبیه که آمیزه‌ای از ضد اموی و ضد عربی و حتی برخی موارد ضد اسلامی شعوبی یا ملی را در بر داشتند، نیز در این زمره‌اند. از ویژگی‌های اندیشه‌ورزی سیاسی در این مرحله این بوده که به صورت طرح مسائل و جستاری است. این مسائل سیاسی - فکری، ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با اوضاع جاری و اجرایی سیاسی داخلی و خارجی امت و دولت اسلامی داشته و اغلب در خدمت پاسخ‌گویی به پرسش‌های پیش آمده برای مسلمانان و رهبران و دولتمردان آنها می‌باشند. حال آنکه در مرحله شکوفایی، اندیشه‌های سیاسی، به صورت مکاتب، منسجم می‌شوند. آرای سیاسی در این مرحله، ارتباط دوربرد، غیرمستقیم‌تر و نامحسوس‌تری با اوضاع و شرایط عینی سیاسی داشته و چه بسا بیشتر تحت تأثیر مقتضیات خود اندیشه‌ورزی و منطق علم و ذهن قرار دارد. نکته‌های مهم آرای سیاسی عبارت بودند از:

۱. ضرورت، مشروعیت، ساختار و کارآمدی دولت و نظام سیاسی آنها،

۲. مکتب اسلام و مقتضیات سیاسی زمان و تطبیق مکتب و واقعیت‌های سیاسی زمان، مکان و موضوع،

۳. اصول و مبانی سیاسی مذهب یا فلسفه سیاسی جریانات و گروه‌های اصلی سیاسی - فکری یعنی شیعه، اهل سنت و خوارج،

۴. ملیت، عضویت سیاسی، یا شهروندی، تابعیت سیاسی دولت اسلامی و اهلیت سیاسی برای نیل به مناصب کلیدی، افتا یا قانون‌گذاری، خلافت یا اجرا و قضاوت و نیز مسؤولیت‌های امارت یا فرماندهی نظامی - انتظامی - امنیتی، مشاورت و نیز ولایت یا استانداری و وزارت،

۵. اصلاحگری سیاسی، انقلاب و براندازی دولت،

۶. ارزش و ضد ارزش‌های سیاسی یا هنجارها و ناهنجاری‌های سیاسی،

۷. آزادی و نقش انسان و اصالت آن،

این‌ها مهم‌ترین مباحث‌ها و عرصه‌هایی است که ذهن اندیشه‌ورزان اسلامی را در مرحله نخست به خود جلب می‌نماید. موضوعاتی که تحت عنوان امامت و خلافت، اسلام و ایمان، ایمان و عمل، ایمان یا کفر فاسق، امر به معروف و نهی از منکر، حسن و قبح و سرانجام جبر و تفویض یا اختیار انسان مطرح می‌گردند. بدین ترتیب اندیشمندان مسلمان که در اوآن از موضع‌گیری سیاسی شخصی نسبت به اشخاص شروع کرده بودند، ابتدا وارد مبحث ضرورت دولت گشته، در این راستا به سوی اصول و مبانی نظری پدیده دولت کشیده شدند. اینان بر این اساس در اواسط به مسائل فقهی سیاسی دست یافته و در اواخر این مرحله به مسائل کلامی رسیدند. جبر و اختیار انسان در تعیین سرشت و سرنوشت سیاسی فردی و اجتماعی خویش، حد‌نهایی تعمق و تعالی پیشروی اندیشه‌ورزی سیاسی در مرحله شکل‌گیری می‌باشد. جریان‌ها، مباحث و مسائل سیاسی - فکری این مرحله و بویژه رویکردها و رهیافت‌های رایج شده در آن، پی‌ساخت ساختمان بلند و فراخ اندیشه و دانش سیاسی مسلمانان را در مراحل بعدی تشکیل داد، کما اینکه اینها در سیر تجدید حیات اندیشه و عمل سیاسی مسلمانان زنده شده و امروز و دهه‌ها و بلکه سده‌های آینده همچنان پیش رو و راهگشا می‌باشند.

مرحله شکوفایی اندیشه سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران، در تداوم تعمق و

تعالی اندیشه‌پردازی و نظریه‌سازی مسلمانان به وقوع پیوست. ایرانیان در این مرحله پیشتازی و پرچمداری خویش را نشان داده و تثبیت نمودند. اندیشمندان اسلامی با فراروی از مسائل جستاری، با انسجام مسائل و موضوعات سیاسی، با ترسیم و تنظیم مبانی نظریه سیاسی، و با تفحص یعنی بازجست و تبیین مبادی یا بنیادهای سیاسی پدیده‌ها یا بنیاد پدیده‌های سیاسی، تحولی جدی در این روند ایجاد نمودند. پیدایی مکاتب فکری سیاسی، اصلی‌ترین شاخصه این فرایند تحولی و برترین نماد شکوه و شکوفایی اندیشه و دانش سیاسی آن‌ها در این مرحله بلکه در کلیت روند تحولی فرهنگ و تمدن اسلامی تاکنون بوده است.

مکتب‌های عمده فکری سیاسی در این مرحله و بر این اساس تمامی جهت‌گیری‌ها، رویکردها و رهیافت‌های علمی - فکری و سیاسی و همین‌طور کلیه دست‌آوردها، آراء و آثار؛ یعنی انباشت موارث فکری سیاسی اندیشمندان اسلامی در تمام طول تاریخ و گستره اندیشه سیاسی را در جهان اسلام و ایران می‌توان به اعتبار نگرش‌های گوناگون، به چهارگرایش عمده تقسیم نمود. هر یک از این گرایش‌های فکری سیاسی، از منظری خاص و با نگاه ویژه به پدیده سیاست پرداخته‌اند، به گونه‌ای که همگی این نگرش‌ها، به صورت توأمان، کلیت وجود و وجوه پدیده‌های سیاسی و کل و عناصر و نیز جنبه‌ها و مراتب این پدیده‌ها را به شکل همه‌جانبه مورد بررسی، شناسایی و ارزیابی قرار می‌دهند. بدین ترتیب دانش سیاسی سنت و مکتب اسلامی - ایرانی، آمیزه‌ای بهینه از آموزه‌های نگرش‌های مزبور است.

گرایش‌های چهارگانه اندیشه و دانش سیاسی مسلمین

دانش سیاسی مسلمانان، به اعتبار نگرش‌های متفاوت نسبت به دانش و سیاست و سایر پدیده‌های سیاسی که در نگاه آنان، دانش زندگی فردی، جمعی و اجتماعی بوده، دارای گرایش‌های متعددی است. به عبارت دیگر، دانش سیاسی در نظریه اینان، به گرایش‌های متنوع و متفاضلی تقسیم می‌گردد؛ یعنی این دانش متشکل از گرایش‌های گوناگون است. اهم این گرایش‌ها در یک جمع‌بندی کلی، به صورت اختصار بترتیب در زیر می‌باشند:

۱. گرایش فلسفی سیاسی یا حقیقی (و ماهوی) سیاسی

۲. گرایش علمی سیاسی یا واقعی (و عینی) سیاسی

۳. گرایش فقهی سیاسی یا حقوقی (و قانونی) سیاسی

۴. گرایش فنی و صناعی سیاسی یا عملی (و اجرایی) سیاسی

ترتیب فوق، بیشتر مبین تقدم ذاتی و موضوعی این گرایش‌ها در دانش سیاسی مسلمانان است، نه اولویت زمانی و پدیداری آنها در تاریخ و جهان اسلام و ایران، چرا که سیر تاریخی - تکوینی آنها بترتیب عبارت از: ۱. گرایش فقهی سیاسی؛ ۲. گرایش فلسفی سیاسی؛ ۳. گرایش فنی سیاسی؛ ۴. گرایش علمی سیاسی بوده است. هر یک از این نگرش‌ها و گرایش‌های چهارگانه؛ اولاً. دارای سرشت و سرنوشت ویژه‌ای بوده و هر یک نقطه آغازین، سیر تاریخی، تحولات و گستره یا تاریخ و جغرافیا و شرایط خاص خود را دارد.

همین‌طور هر کدام، موضوعات، مسائل، مؤسس، پیروان و شخصیت‌های برجسته و نیز آرا و آثار بسیار فراوان خویش را دارند. کما اینکه هر یک از این گرایش‌های اندیشه و دانش سیاسی، دارای منابع و روش‌های فکری - علمی و حتی بنیادهای معرفت‌شناسی ویژه همان نگرش است. به گونه‌ای که هر کدام از گرایش‌های مزبور، ضمن داشتن ارتباطات و حتی تعامل‌های گوناگون یا سایر حوزه‌ها و گرایش‌ها، در عین حال کاملاً از هم مستقلند.

ثانیاً. گرایش‌های فکری سیاسی مزبور، ضمن استقلال، در عین حال اجزا و عناصر اصلی نظام یگانه دانش سیاسی محسوب می‌گردند. بنابراین دانش سیاسی در سنت اسلامی - ایرانی، منظومه‌ای مرکب و متشکل از گرایش‌های گوناگون بویژه گرایش‌های چهارگانه فوق است. به تعبیری دیگر، دانش سیاسی طبق نظریه این دانشمندان، ضمن اینکه از تشکل گرایش‌های متنوع و متفاضل، فراهم آمده است، در عین حال دارای وحدت مبدأ، وحدت نظام و وحدت غایت می‌باشد. بر این اساس و از این نگاه، دانش سیاسی یک علم واحد نیست، بلکه یک نظام علمی واحد است. نظامی که در آن، گرایش فلسفه سیاسی، بنیاد سه گرایش دیگر بوده و آن سه گرایش دیگر، به موازات هم و براساس فلسفه سیاسی و در راستای آن، به عمل و عین واقعیت‌های سیاسی متصل و منجر شده و به پدیداری پدیده‌های سیاسی و تأثیرگذاری بر آنها می‌پردازند. کما اینکه

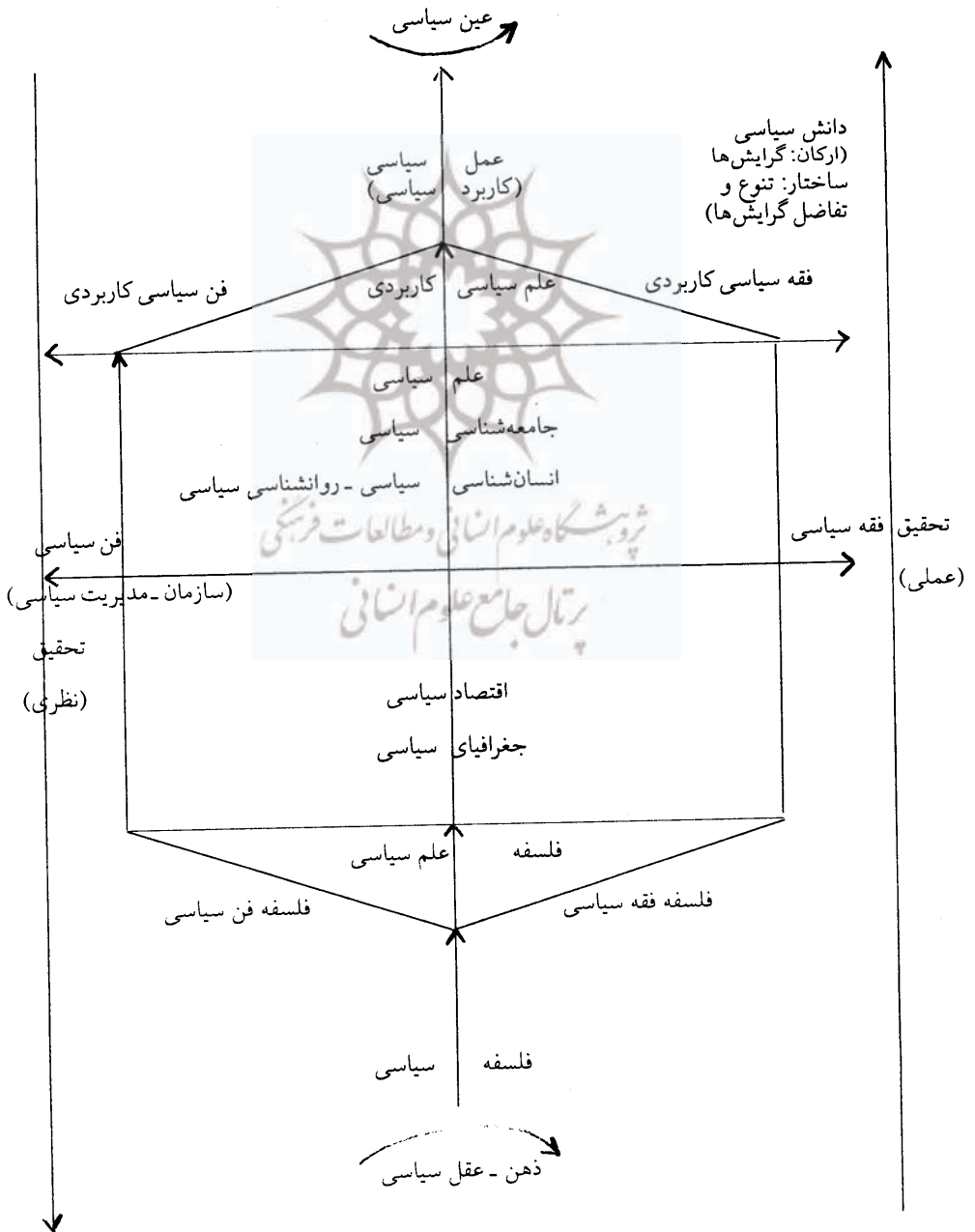
این گرایش‌ها، در یک روند تعاملی، به‌طور متقابل از عین عمل سیاسی تأثیر می‌پذیرند. ثالثاً. هر یک از گرایش‌های فکری - علمی سیاسی؛ الف. از یک سو دارای گرایش‌های جزئی دیگر بوده که می‌توان آنها را خرده گرایش‌های مقدماتی، مرحله‌ای، فرعی یا جانبی دانست، مثل خرده گرایش‌های کلام و اخلاق نظری و حتی عرفان نظری در گرایش اصلی فلسفه سیاسی. ب. از سوی دیگر دارای مذاهب یا مکاتب فکری و حتی مسالک عملی و نیز نحله‌ها و فرقه‌های خاص خویش می‌باشند، مانند فقه سیاسی شیعی، شیعه و شیعیان، از جمله فقه سیاسی اثنی عشری، زیدیه و اسماعیلیه یا فقه سیاسی سنی و گروه‌های اهل سنت؛ از جمله حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی. (۲) (ن ۱)

اول. گرایش فلسفی سیاسی: پدیده‌شناسی سیاسی

این گرایش به بررسی ماهیت یا چیستی و حقیقت یا هستی پدیده‌های سیاسی می‌پردازد، اصل وجود یا ضرورت، علل و غایات یعنی خاستگاه یا منشأ نظری و نیز مبدأ عینی و عملی، جایگاه، روابط و نقش و آثار سیاست و پدیده‌های سیاسی، مسائل و مباحث اصلی آن را تشکیل می‌دهند. اهم پدیده‌های سیاسی شامل: دولت و نظام سیاسی، انسان سیاسی، جامعه سیاسی، حکومت، حاکمیت سیاسی، قدرت سیاسی، کشور و قلمرو سیاسی و پدیدارهایی همچون فرآیند تغییرات و تحولات سیاسی، انقلاب، روابط سیاسی داخلی و خارجی، جنگ و صلح می‌باشند.

اصل سیاسی بودن انسان و ضرورت و مفهوم سیاسی بودن انسان یا سیاست‌گرایی او اعم از سیاست‌گذاری و سیاست‌پذیری یا به تعبیر اخوان‌الصفاء، ساینس و مسوس بودن انسان، (۳) بررسی انگیزه‌ها و اهداف جامعه‌گرایی انسان، دولت‌گرایی و سرانجام نظام سیاسی‌گرایی او، انواع انسان‌ها سیاسی و اجتماع‌های سیاسی، کشورها، نظام‌های سیاسی و دولت‌ها و گونه‌های متنوع رویکردهای سیاسی که مبدأ عینی - عملی و منشأ فکری - نظری پدیده‌های سیاسی مزبور و گوناگونی‌ها و گونه‌های متنوع متفاوت آنها می‌گردد، از دیگر موضوعات مورد توجه این گرایش دانش سیاسی محسوب می‌شوند. حکیم سیاسی فرزانه، ابونصر فارابی (قرن چهارم هجری) بنیان‌گذار و برجسته‌ترین

(نمودار ۱)



شخصیت نظریه‌ساز گرایش فلسفی سیاسی است. وی در راستای تداوم کلام سیاسی و تحول و تعالی آن و براساس سنت فلسفی عمومی، به پی‌سازی بنای بلند ساختمان فلسفه سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران همت گماشت. وی با چهار نوآوری انقلابی، موفق به فراروی از کلام و انجام این تحول گشته و گرایش فلسفه سیاسی را تأسیس نمود که بدین قرارند:

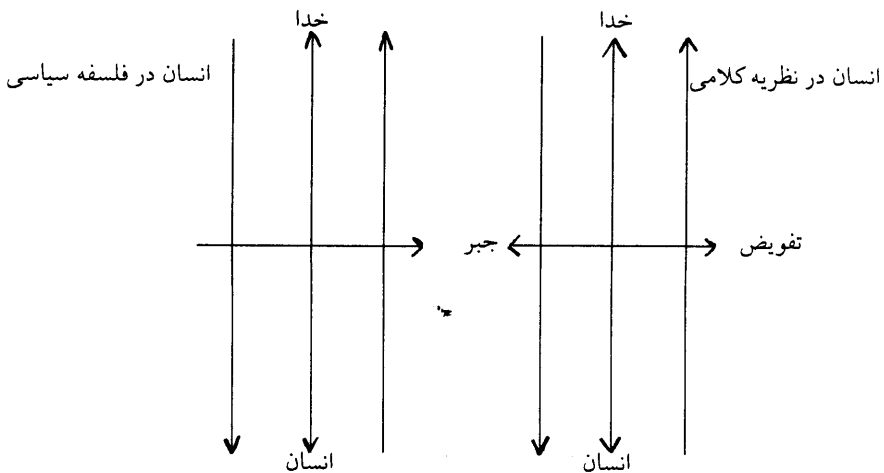
۱. تحلیل

سرحد نهایی بحث از انسان در کلام تا واپسین مراحل دوره شکل‌گیری اندیشه و دانش سیاسی تا قبل از فارابی، مبحث جبر و تفویض یا اختیار انسان بود. تا این حد انسان بسان پدیده‌ای کلی، تجزیه نشده و حتی تجزیه نشدنی، در دایره هستی و در قبال مشیت الهی و ذاتی ماورایی قرار گرفته و مورد بررسی واقع می‌شد:

آن هم همچون صندوق سر بسته و مخزن اسرار و سر به مهری که کمتر به درون آن راه می‌جستند. کما اینکه در جهان بیرونی، این فقط ذات خداوندی بود که مستقیماً انسان در مقابل او و نسبت بدو مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت.

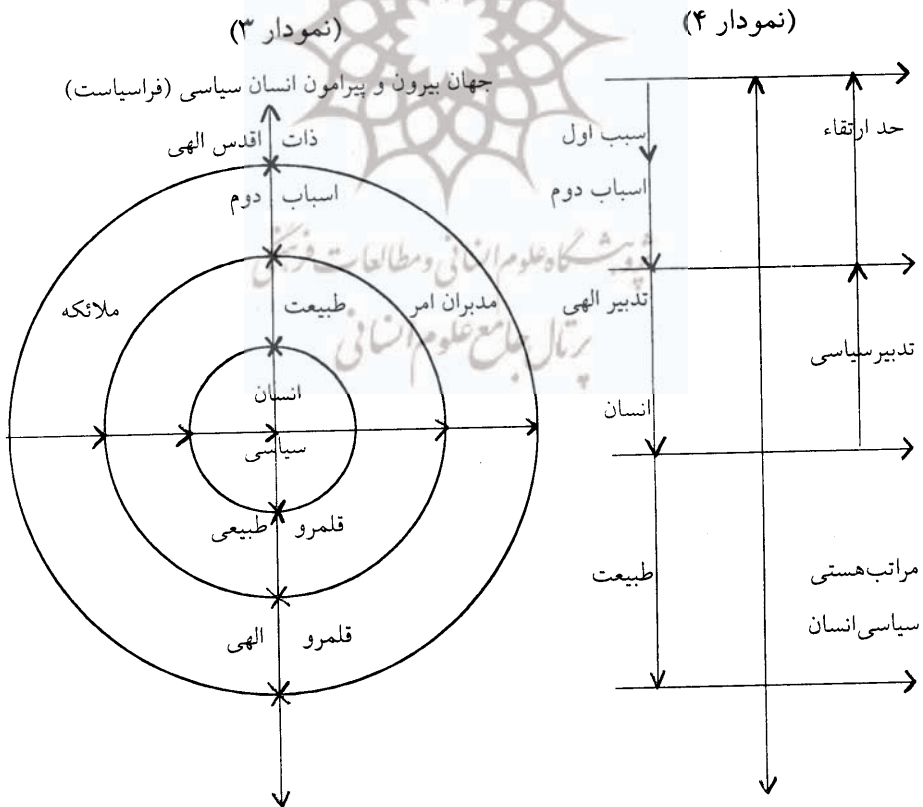
(ن ۲)

(نمودار ۲)



فارابی در یک برخورد تحلیلی؛

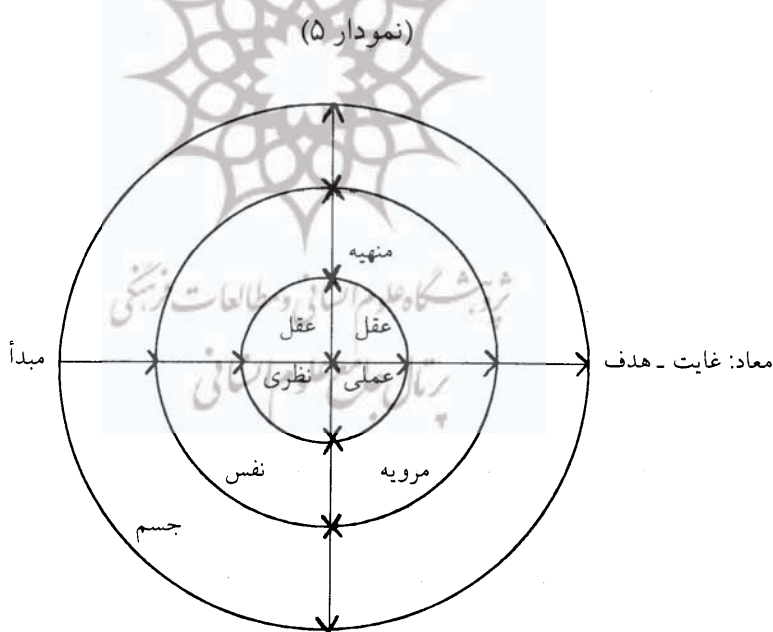
اولاً جهان بیرونی را از حالت بساطت خارج نموده و ترکیب و پیچیدگی یا مراتب مختلف آن را تبیین نمود. وی براین اساس معتقد به مراتب گوناگون در جهان آفرینش است. این مراتب بترتیب شامل: ۱. عرصه‌های الهی اعم از ذات اقدس الهی به عنوان مبدأ مبادی و سبب اول و موجودات الهی یا اسباب دوم که آنها را مدبران امور جهان و از جمله انسان می‌داند، ۲. آنگاه قلمرو پیرامونی یا طبیعی آدمی و ۳. سرانجام انسان است. جهانی که از آن می‌توان تعبیر به عرصه «فراسیاست» کرد (ن ۳ و ۴).



ثانیاً. فارابی علاوه بر تجزیه - تحلیل و ترکیب جهان بیرونی - به جهان درونی انسان راه یافته و به تشریح؛ ۱. نفس و نیروی احساسات یا گرایش‌ها، ۲. عقل و نیروی ذهن یا

نگرش‌ها و حتی ۳. جهات جسمانی یا مادی بدنی و نیازهای آن پرداخت. وی ریشه پدیده‌های سیاسی و سیاست‌گرایی اعم از سیاست‌پذیری و سیاست‌گذاری انسان‌ها و قانون‌گرایی، نظام‌گرایی، جامعه‌گرایی، هدف‌گرایی و سرانجام دولت‌گرایی را با درون‌کاوی انسان، کشف و نمودار ساخت. بدین ترتیب سرچشمه انگیزش‌های گوناگون سیاسی - اجتماعی انسان‌ها را جسته و باز نمود. (ن ۵)

جهانی که می‌توان از آن تعبیر به عرصه «فروسیاست» نمود.



جهان درون انسان سیاسی

(فروسیاست)

وی در هر دو مورد جهان درونی و بیرونی اعم از ماورایی الهی و پیرامونی طبیعی را به ترتیب فوق بررسی نمود.

در نتیجه اجزا، عناصر، فرآیندها و مراتب گوناگون آنها را از بالاترین سطوح و مبادی یعنی خدا، تا فروترین لایه‌ها یعنی ماده اولی محض و فاقد صورت، به تفصیل طرح

نموده و ترکیب و ساختار آنها را در یک نظام و قوس نزولی - صعودی و به هم پیوسته، تنظیم و ترسیم کرده و نمودار ساخت. وی نظریه و نظام سیاسی مورد نظر خویش و حتی دانش سیاسی خود را براساس این زیرساخت استوار نموده است.

۲. تعلیل

فارابی همه این مباحث را در یک روند تعلیلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی با بکارگیری مبحث علت‌های چهارگانه فلسفه عمومی در حوزه سیاسی، یعنی با علت‌های فاعلی - غایی یا علل بیرونی و علت‌های مادی - صوری یا علل درونی، به بررسی پدیده‌های سیاسی پرداخت. وی بدین ترتیب یکی دیگر از ارکان دانش فلسفی سیاسی را پی‌ریزی کرد. براین اساس از علت علل به عنوان مبدأ مبادی شروع کرده و بترتیب به طرح اسباب و مبادی هستی و سیاسی می‌پردازد. اسباب و مبادی پدیده‌های سیاسی در نظریه وی به ترتیب زیر می‌باشند:

اول. مبادی الهی، اعم از سبب اول یا مبدأ مبادی در مرتبه نخست،

دوم. اسباب دوم در مرتبه دوم یا عقول، ملائکه و مدبران امور عالم و آدم، سوم. مبادی طبیعی و در مرتبه طبیعت،

چهارم. مبادی انسانی و در مرتبه انسانی - سیاسی، اعم از: فردی و اجتماعی و جبری و اختیاری، شامل:

الف. مبادی - مراتب: ۱. شخصی - فردی، ۲. گروهی - اجتماعی

ب. مبادی - مراتب: ۱. جبری، ۲. اختیاری

وی مبادی یا علل، عوامل و شرایط طبیعی - انسانی را به گونه‌ای دیگر نیز تقسیم و ترسیم نموده است:

اول و دوم. مبادی الهی اعم از مبدأ اول و اسباب الهی یا دوم.

سوم. مبادی طبیعی؛ اعم از عوامل و شرایط:

الف- ۱. طبیعت مادی - جسمانی پیرامونی

۱. محیطی یا مسطحه و باصطلاح توپوگرافیک

۲. فضایی و آسمانی و باصطلاح حجمی

که می‌توان از آن تعبیر به جغرافیای سیاسی نمود.

ب. طبیعت درون، شامل:

۱. طبیعت مادی - جسمانی بدنی

۲. طبیعت نفسانی - غریزی

چهارم. مبادی انسانی یعنی ارادی - اختیاری و تدبیری - صناعی و مدنی - سیاسی یا

خُلُق روبه‌روی خَلق و آفرینندگی انسان روبه‌روی آفرینش (تکوینی - طبیعی) انسان و

براساس آن، شامل مبادی و مراتب:

۱. شخصی درونی و فردی بیرونی

۲. گروهی و اجتماعی مدنی - ملی - امتی و جهانی

۳. استدلال

برخورد و روش استدلالی و عقلی یا تعقلی فارابی در فلسفه سیاسی، سومین حرکت

زیربنایی وی بود. آن هم به جای برخورد استنادی، آنگونه که در کلام و بویژه فقه

سیاسی موضوعیت داشت یا به جای برخورد استشهادی و حسی - استقرایی - تجربی،

آن‌سان که در علوم طبیعی - تجربی (سیاسی) رواج داشت. در این برخورد؛

اولاً. عقل و تعقل تنها نیروی شناخت حقیقی پدیده‌های سیاسی و بویژه شناخت

ماهیت و حقیقت آنها بوده و تنها اساس و معیار ارزش‌سنجی پدیده‌های سیاسی و

شناخت آنها محسوب می‌شود.

ثانیاً. روش بررسی استدلال عقلی بوده، بدین‌گونه که با فرض یا قرض قضایایی ثابت

شده یا بدیهی که نیاز به اثبات ندارند، به صورت سلسله مراتب جلو رفته تا به پاسخ

مورد نظر دست یابد. بدین ترتیب که نتیجه هر مرحله که بدست می‌آید، مقدمه قضیه

بعدی بوده تا از صورت موضوع به مسأله و صورت آن و از آن به مبادی یا مقدمات و

داده‌ها سیر می‌کند. کمااینکه در این فراگرد با تنظیم و ترتیب آنها، داده‌ها و داشته‌ها به

نتایج و یافته‌ها می‌رسد. بنابراین برخورد تعقلی یعنی هم‌عقلانی و روش استدلالی از

دیگر ارکان گرایش فلسفی سیاسی محسوب شده که توسط فارابی به بهترین نحو به کار

برده شده‌اند.

۴. کل‌نگری و نظام‌گرایی

بررسی کلیت پدیده‌های سیاسی و نظام‌مندی آنها نیز رکن چهارم فلسفه سیاسی است. انسجام فکری، جامعیت و مانعیت، از فروع این رکن دانش فلسفی سیاسی یا دانش سیاسی فلسفی فارابی هستند.

وی بدین ترتیب توانست فلسفه سیاسی را به گونه‌ای کاملاً بنیادین - غایی و فراگیر - سازوار پی‌ریزی نموده و ساختمان بلند و سترگ آن را بر این ارکان بنا نماید. او با معماری فلسفی سیاسی خویش، اثر گران‌سنگی برای تمامی آیندگان به یادگار گذاشته است. فارابی آثار زیادی نوعاً یا غالباً در فلسفه سیاسی تدوین و ارایه نموده است. هر یک از این آثار یکی از موضوعات فلسفی سیاسی یا یکی از اجزای فلسفی یعنی ماهیت و حقیقت پدیده‌های سیاسی را مورد بررسی قرار داده یا طی آنها به بررسی پدیده‌(های) سیاسی از تمامی وجوه گوناگون آن‌(ها) پرداخته است. بنابراین می‌توان ادعا نمود، تمامی آثار سیاسی و حتی فلسفی فارابی، منظومه‌ای به هم پیوسته و مکمل از تمامیت فلسفه سیاسی و در مورد کلیت ماهیت و حقیقت پدیده سیاسی می‌باشد؛ پختگی و تنوع آرای فلسفی سیاسی فارابی و تعدد آثار مربوط و سازواری و تمامیت آنها، تقریباً در تمامی تاریخ و جهان اندیشه سیاسی بی‌نظیر است.

ابوالحسن عامری، پس از فارابی، سلسله‌دار این گرایش فکری سیاسی بوده و کتاب‌های «السعادة والاسعاد» و نیز «الاعلام بمنقاب الاسلام» وی به‌طور عمده در این زمینه می‌باشند. (۴) اخوان‌الصفاء، با رسایل پنجاه و یک‌گانه خویش این سنت را دنبال کرده‌اند. اینان که به احتمال قوی شیعی - ایرانی بوده و به‌طور عمده در حوزه بصری فعالیت داشتند، به منظور انقلاب سیاسی، در پی انقلاب فرهنگی از طریق انقلاب آموزشی بودند. به همین منظور نظام علمی مورد نظر خویش را بسان منابع و متون اصلی درسی تدوین و ارایه نمودند. این رسایل، حاوی کلیات، مبادی، اصول و فلسفه یا کاربری تمامی علوم عصر و نسل آنهاست و به صورت کاملاً ماهرانه‌ای تهیه و تنظیم شده‌اند. اینان علاوه بر داعیه سیاسی کلی و عمومی خویش، دغدغه‌های سیاسی خود را در سراسر رسایل خویش نمودار ساخته‌اند، به گونه‌ای که حتی از همان رساله نخست که در ریاضیات و عدد یا حساب نگاشته شده است، به مبحث و پدیده یا مفهوم و پدیداری

همگرایی و سیاست‌گرایی انسان و ضرورت دولت می‌پردازند. (۵)

ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین شیرازی تا ملاصدرای شیرازی و بلکه استاد وی میرداماد، برای نمونه در القیسات، حتی تا حضرت امام خمینی و علامه جعفری، برجسته‌ترین شخصیت‌های شاخص سنت فلسفی سیاسی در حوزه اسلامی - ایرانی و شیعی می‌باشند. (۶)

دوم. گرایش علمی سیاسی: پدیدارشناسی سیاسی

این گرایش به بررسی واقعیت عینی پدیده‌های سیاسی شامل: اجزا و عناصر، یعنی مبانی یا بنیان‌ها، روابط، رفتار و ساختارها و همچنین عوامل و شرایط پیدایی و تحولات آنها و کشف قانون‌مندیهای حاکم بر آن پدیده‌ها می‌پردازد. غالب فلاسفه سیاسی در تداوم رایه نظریه فلسفی سیاسی خویش به فلسفه علم سیاسی و رایه نظریه فلسفی علمی سیاسی پرداخته‌اند، حتی برخی از آنها در همین راستا وارد حوزه علمی سیاسی شده‌اند. از قبیل خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری (۷) که به طرح و بررسی عوامل پیدایی، پایایی، پویایی و بقا یا زوال دولت پرداخته است. لکن عمده نظریه‌پردازان این حوزه یا گرایش و مرتبه علمی دانش سیاسی، توسط تاریخ‌گرایان و دانشمندان تاریخ‌نگر و حتی فلاسفه تاریخ سیاسی (۸) توسعه و تکامل یافته است. آن هم به تعبیر ابن خلدون (قرن ۹-۸ هـ) با فراروی از تاریخ‌نگاری صرف و تحقیق عینی - تجربی پیرامون واقعیت خارجی پدیده‌های سیاسی یا پدیده‌های سیاسی عینی، خارجی و واقعی و کشف سیر تحولات، قانون‌مندی و نظام‌مندی‌های حاکم بر آنها و عوامل و شرایط و نیز حالات و دیگرگونی‌های مربوط می‌باشد.

ابوالحسن مسعودی (قرن چهارم هجری) نخستین نقطه روشن شروع این گرایش است. کتاب‌های التنبیه و الاشراف و نیز مروج الذهب (۹) وی که اشارات و جستارگونه‌های باقی مانده از آثار بسیار بزرگ و زیاد گم شده یا نابود شده او می‌باشند، سرشار از دیدگاه‌های علمی سیاسی هستند. ابن مسکویه و تجارب‌الامم وی نیز در همین راستاست. (۱۰) عبدالرحمن ابن خلدون (۱۱) که بر پیشتازی مسعودی و محمدبن جریر طبری و نظریه و کتاب تاریخ وی تأکید دارد، (۱۲) خود برجسته‌ترین نظریه‌پرداز

گرایش علمی سیاسی نه تنها در جهان اسلام و قدیم یا میانه بوده بلکه تا حدودی در جهان و تا عصر حاضر می‌باشد. وی علاوه بر فلسفه تاریخ سیاسی دولت‌ها و انقلاب‌ها، دارای نظریه‌های علمی جامعی در روانشناسی سیاسی و انسان‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جغرافیای سیاسی و سرانجام اقتصاد سیاسی می‌باشد. علوم علمی که خود اجزای اصلی علم سیاست محسوب می‌گردند.

به تناسب شئون سه‌گانه سیاست و نقش و کارویژه آن، می‌توان علم سیاست را بدین ترتیب شامل ارکان سه‌گانه علمی سیاسی زیر دانست:

۱. علم مهندسی یا معماری سیاسی یعنی شأن تأسیس و ایجاد یا باصطلاح تمکن و استقرار نهادها و هنجارهای سیاسی.

۲. علم مدیریت و سامان‌دهی سیاسی یا شأن راهبردی سیاست و علم سیاست.

۳. علم پزشکی و طب سیاسی یا شأن حفاظت، بهداشت، تأمین و درمان (هنجارهای) سیاست و علم سیاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سوم. گرایش فقهی سیاسی

این گرایش به بررسی حدود یا حقوق سیاسی اعم از اختیارات و امتیازات و نیز وظایف و تکالیف متقابل (هر یک از) شخصیت‌های حقیقی و حقوقی سیاسی پرداخته، بویژه به بررسی حقوق اساسی دولت و ملت و قوا و نهاد‌های مربوط توجه دارد.

هر چند که حتی در گرایش‌های علمی سیاسی و بویژه فلسفی سیاسی، نگرش دینی - اسلامی، بنیادین و کاملاً تأثیرگذار و چه بسا تعیین‌کننده می‌باشد، ولی در حوزه فقهی سیاسی ارتباط و آمیختگی سه عرصه شریعت یا مکتب با عقل و اجتهاد و با واقعیت و سیاست و نیز با قدرت و دولت و مقتضیات آنها، مشهودتر است. اصل اسلام به عنوان مکتب و طرح هادی و نقشه راهنما، برای همگی مسلمانان و حتی گروه‌های معارض با هم، کم‌وبیش پذیرفته شده بود. مکتبی که از نظر آنان، از ناحیه حاکم حکیم و از باب لطف و عنایت بوده و برای کمک و یاری بشر در هدایت و سامان‌دهی و سیاست فردی، جمعی و اجتماعی ملی - امتی و تا جهانی خویش نازل شده است. یعنی از طریق فرشته وحی و توسط پیام‌رسان الهی در اختیار بشریت، مسلمانان مؤمنان قرار گرفته است. این

طرح هادی در نظریهٔ اینان نهایی، کامل و فراگیر یعنی عموم بشری و عموم تاریخی بوده و شامل تمامی ارکان زندگی در هر سطحی از پیشرفت، توسعه و تعالی است. همچنین نقشه‌ای قابل اجرا، عملی و نیز ممکن و مفید و کارآمد می‌باشد. اینها اهم بنیادها یا موضوعاتی بود که مورد پذیرش عمومی همگی افراد و گروه‌های اسلامی و نظریه‌پردازان آنان بوده و جملگی رسالت اصلی خویش را پیاده کردن و اجرای معارف، حدود و موازین مکتب در زندگی سیاسی و سیاست عملی خود دانسته و در پی استقرار دولت و نظام سیاسی اسلامی و فعلیت و فعالیت آن بر این اساس بودند.

اهل سنت از ابتدا به سبب ارتباط و حتی نزدیکی با دولت‌های غالب و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای فقهی آنها، چه‌بسا با این دولت‌ها همکاری و حتی همفکری داشتند. ابوحنیفه (۱۵۰-۸۰ ه.ق.) خود هیچ‌گاه وارد دستگاه دولت نشده و با اداره کارگاه بافندگی، خود و برخی از شاگردان خویش را اداره می‌کرد، در عین حال پرسش‌ها و نیازهای فقهی سیاسی حکومت را پاسخ داده و تأمین می‌نمود. کتاب فقه اکبر ابوحنیفه یا فقه کلان (۱۳) و راهبردی یعنی فقه دولت و سیاسی، در مقایسه با فقه خرد یا شخصی و مدنی، حاوی نظریات و فتاوی سیاسی وی می‌باشد. این کتاب توسط ابویوسف، شاگرد برجستهٔ ابوحنیفه، پس از درگذشت او، جمع‌آوری و تدوین گردیده است. این نخستین اثر مستقل در فقه سیاسی در تاریخ فقه سیاسی اسلامی - ایرانی با توجه به اصالت ایرانی ابوحنیفه بویژه در حوزهٔ اهل سنت است. ابویوسف علاوه بر جمع‌آوری و تدوین این اثر، دو کار عمدهٔ دیگر نیز انجام داد که در سیر تحول گرایش فقهی سیاسی اهل سنت تأثیر بسزایی گذاشت:

یکی ورود خود وی به عنوان یک مرجع فقهی در دستگاه دولت و بویژه تأسیس مقام ریاست دیوان عالی کشور یا قاضی القضااتی و پذیرش ریاست آن توسط اوست. این در حالی بود که قضاوت و نیز فتاوی حتی سیاسی تا قبل از این زمان بیشتر ماهیتی اجتماعی و آزاد داشته و پراکنده بود و حداکثر نهاد و شخصیتی غیردولتی محسوب می‌شد. دیگر نوشتن کتاب الخراج (۱۴) در این راستا بود.

ابوالحسن ماوردی (قرن پنجم هجری) با ارایهٔ نظرات و تدوین آثار گوناگون در موضوعات و مواضع متفاوت فقهی سیاسی در جهان اهل سنت، برجسته‌ترین

نظریه پرداز فقهی سیاسی اهل تسنن می باشد. کتاب الاحکام السلطانیة (۱۵) وی که حاوی نظریه فراگیر فقهی سیاسی اوست. در حقیقت شامل نظرات فقهی سیاسی گذشتگان و جامع و بلکه بنیاد نظرات فقهی سیاسی آیندگان، حتی تا دوران معاصر و زمان حاضر می باشد. دقت، ریزپردازی و تیزبینی همراه با رعایت اعتدال و انصاف در او و اثر و نظر او به گونه ای است که تمامی نوگرایان و اصلاح‌گران سیاسی اهل سنت و حتی بنیادگرایی چون محمدرشید رضا (۱۶) (قرن ۱۴ مصر)، خواهان بازگشت و احیای نظریه فقهی سیاسی ماوردی است. بعد از وی نیز آثار بسیار زیادی غالباً تحت تأثیر اندیشه‌های اساسی فقهی سیاسی وی نگارش یافته‌اند. عبدالکریم خطیب بغدادی، صاحب کتاب تاریخ بغداد، (۱۷) مدعی است که ماوردی این اثر را در پاسخ شبهه‌ها و بلکه انتقادهای شدید دانشمندان شیعی از قبیل شیخ طوسی به نظریه فقهی سیاسی خلافت اهل سنت ارایه نموده است، چرا که اینان ناهنجاری‌های شدید سیاسی حکومتی ایجاد شده بویژه در آن زمان را ناشی از ناسازواری و ناکارآمدی و بلکه غلط بودن تئوری خلافت اهل سنت می دانستند. ماوردی نیز در این اثر در پی توجیه نظریه سیاسی خلافت بوده و درصد تبیین هنجارهای سیاسی آن برآمده است.

فقه سیاسی شیعه، در عین داشتن اصول و مبانی فراگیر و استوار، به‌طور عمده به سبب عدم شرایط، نیاز و امکان و باصطلاح به علت عدم ابتلا و اعتناء و با وجود غنای منابع سرشار به سبب ارتباط با مأخذ علم الهی ائمه دوازده گانه (ع) برخلاف فقه سیاسی اهل سنت تاکنون مستقل نشده و در نتیجه مبسوط نیز نگردیده است. نظرات فقهی سیاسی دانشمندان شیعی غالباً در ضمن آرا و آثار عمومی فقه یا فقه عمومی آورده شده‌اند. بنابراین چه بسا به صورت جزئی یا جانبی و فرعی به فقه سیاسی و مسائل مربوط پرداخته‌اند. آیت‌الله نائینی اولین دانشمند شیعی بود که نظریه فقهی سیاسی جامعی در زمینه ارکان و ساختار دولت و نظام سیاسی، در دوره مشروطیت پرداخته و ارایه نموده است. (۱۸)

کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) نیز اثری فقهی سیاسی در باب اصل ضرورت نظام، دولت و حکومت اسلامی است. (۱۹) پس از انقلاب اسلامی، به سبب نیاز و امکان، کوشش‌هایی زیاد، ولی نه چندان منسجمی در زمینه فقهی سیاسی سنت شیعی - ایرانی

به عمل آمده است، تلاش‌هایی که منجر به تولید مقاله‌ها، کتاب‌ها و نیز برگزاری همایش‌ها، سخنرانی‌ها و جلسه‌های گوناگون و متعددی شده‌اند، مهم‌ترین این آثار، کتاب چندین جلدی فقه‌الدوله آیت‌الله منتظری در فقه سیاسی است. (۲۰) لکن همچنان نیاز جدی به استقلال فقه سیاسی شیعی، مبسوط و کاربردی شدن آن و انجام کارهای مقایسه‌ای با سایر مکاتب الهی و غیرالهی بوده و کارهای تطبیقی و نوآوری به تناسب شرایط و مقتضیات عصر و نسل حاضر و جامعه و جهان پیش روی ما بیش از پیش ضرورت دارد، بویژه بشدت و به شکلی فراگستر، به نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی و ارائه نظریه جامع فقهی سیاسی شیعی، به تعبیر فارابی از حیث نظری و کاربردی یا عملی نیازمند بوده که به صورت فزاینده‌ای فراروی ماست. به نظر می‌رسد اصول و منابع فقهی عمومی و سیاسی شیعه و منابع غنی و نیز علم اصول که روش استنباط موضوعات و احکام آنها بوده ظرفیت بسیار والایی برای نوآوری و پاسخ‌گویی به این نیازها را به‌طور کامل داراست. بخش‌های حقوقی و قضایی اقتصاد سیاسی و اجتماعی سیاسی در برد فردی، گروهی و ملی و نیز در قلمروهای داخلی، خارجی، بین‌امت اسلام و بین‌المللی و سرانجام جهانی، بیش از هر حوزه دیگر فقهی سیاسی نیاز به توجه و پردازش دارند.

حقوق اساسی ملت و دولت و افراد، گروه‌ها و نهادهای مربوط، حقوق سیاسی داخلی، خارجی، حقوق سیاسی بین‌امت، میان‌امت‌ها و بین‌ملل و جهانی، وجوه و مراتب یا جهات دینی - سیاسی حکومت و حاکمیت، ابعاد و جهات الهی - مردمی حاکمیت یا قانون و حاکمیت الهی - حکومت مردمی مسایل عمده فقه سیاسی هستند. همچنین شرایط و ویژگیهای رهبر و ریاست دولت، مبانی و اصول مشروعیت دولت، حاکمیت و حکومت، راههای نیل به حاکمیت، مسؤلیت، نظارت و نهادهای قانونی و حقوقی ذی‌ربط از جمله مباحث‌ها و محورهای اصولی هستند که گرایش فقهی سیاسی به بررسی و ارائه نظر در مورد آنها پرداخته و در زمینه دهها و صدها موضوع و مسأله اصلی، فرعی، جنبی و مقدمی یا نهایی باید این چنین به تحقیق پردازد.

خوارج، به سبب ظاهرگرایی، از همان ابتدا دارای فقه سیاسی مشخص و با مبانی معینی نبودند. اسماعیلیه و زیدیه نیز دارای فقه سیاسی مستقلی نبوده و بیشتر فقه سیاسی آنها التقاطی از برخی مبانی نظریه شیعی با قسمت‌هایی از فقه سیاسی سنی

بویژه حنفی هستند. (۲۱)

چهارم. گرایش فنی سیاسی

فن یا صنعت در تعبیر خود اندیشه‌ورزان اسلامی؛ عبارت از اعمال علم در عمل و در عین بوده یا کاربرد عملی - عینی علم است و به طور متقابل عبارت از ابتدای عین و عمل بر علم است. به اعتباری دیگر، فن سیاسی عبارت از شأن و جنبه‌ایجاد، عملی و و تحقیقی دانش سیاسی می‌باشد در مقایسه با جنبه علمی، نظری و تحقیقی آن. (۲۲) (ن ۶)



موضوع گرایش فن سیاسی یا مرتبه فنی سیاسی اندیشه و دانش سیاسی، عبارت از علم عمل سامان‌دهی و راهبرد کشور، دولت و نظام سیاسی است. کشورداری، شهریاری، مملکت‌داری و اداره کشور، از جمله تعابیر گوناگون بوده که برای این گرایش در سطح کلی، عمومی و ملی به کار می‌روند. این گرایش، شامل علم (و) فن سیاست‌گذاری و نیز سیاست‌مداری است. از آنجایی که این گرایش به بررسی این می‌پردازد که یک کشور یا یک منطقه یا بخش و سازمان در یک کشور، چگونه سامان‌دهی و اداره شده و می‌شود، نیز یک کشور یا یک منطقه یا بخش و سازمان در یک کشور خاص یا به صورت کلی، باید چگونه اداره شده یا خوب است اداره شود، بنابراین روش اصلی این گرایش فکری دانش سیاسی تجویزی است. یعنی شامل مطالعه و

پژوهش تجویزات یا تجویز راهبردها و راهکارها، یعنی اشکال گوناگون سامان (دهی)ها و سیاست‌ها یا خط مشی‌های سیاسی می‌شود، آن هم فراگیر کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی (سیاسی)، فرهنگی و اجتماعی سیاسی، اداری و سازمانی و مدیریتی، دفاعی، امنیتی، انتظامی، نظامی و اطلاعاتی و حتی حقوقی و قضایی و کیفری می‌باشد.

برخی فلاسفه سیاسی در راستای تداوم فلسفه سیاسی و نیز گرایش علمی سیاسی خویش، وارد گرایش فنی سیاسی شده‌اند، مانند خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری. وی در مبحث آداب سیاست ملوک؛ از فن سیاست، به بررسی و برخورد جزئی یا موردی و همان عینی - عملی در مقایسه با برخورد کلی یا همان فلسفی - نظری تعبیر می‌نماید. (۲۳) او در مبحث خطابه کتاب اساس الاقتباس نیز به صورت جانبی وارد مباحث اصلی این گرایش شده است. (۲۴) کما اینکه برخی از صاحب‌نظران گرایش علمی سیاسی نیز تا حدودی مبادرت به ارائه نظر در زمینه گرایش فنی سیاسی و برخی مواضع و موضوعات آن نموده‌اند، همانند ابن خلدون که در اواخر جلد اول کتاب مقدمه خویش به ارائه نامه و در حقیقت آیین‌نامه مفصل استناداری یکی از صاحب‌نظران بلکه صاحبان تجربه عملی این حوزه اقدام نموده است. (۲۵)

اما عمده نظریه‌سازان این حوزه، دو گروه اصلی هستند؛ یکی دانشمندانی که خود بشخصه عامل و باصطلاح وزیر یا نخست‌وزیر و والی یا کارگزار مقام اجرایی و بویژه بالاترین آنها در کشور بوده‌اند که نخست با جهت‌گیری کشورداری به ارائه نظر پرداخته، یا در حین و احیاناً در اواخر و بعد از مسؤولیت اجرایی خویش و با جمع‌آوری و تنظیم تجارب خویش به ارائه یافته‌های خویش همت گماشته‌اند. از جمله همین‌ها، خود خواجه نصیرالدین طوسی است. همچنین دبیران و دیوانیان نیز که غالباً وزرا از میان آنها برگزیده می‌شدند، نیز در این زمره می‌باشند. (۲۶)

دیگری، صاحب‌نظرات اجرایی یعنی کسانی که با جمع‌آوری داده‌های تجربی سیاسی و براساس مبانی و اصول نظری سیاسی، نظریه‌سازی کرده‌اند. هر دوی این گروه‌ها، خواه در آیین‌ها و آداب و خواه در اصول و مبانی عملی سیاست اجرایی، یافته‌های خود را یا در سطح کشور، اعم از خلافت، پادشاهی و وزارت، یا در یک بخش همانند امارت یا فرماندهی نظامی - انتظامی، مشاورت و حتی قضاوت، نیز در یک منطقه مانند

ولایت یا استانداری، همچنین در زمینه فرمانداری و شهرداری یک شهر و همین طور آیین دیپلماسی و سفارت یا نمایندگی سیاسی در یک کشور دیگر عرضه نموده‌اند. (۲۷)

آغازگر اصلی این گرایش را در میان مسلمانان باید عبدالله ابن مقفع، ایرانی نو مسلمان در قرن دوم هجری دانست. وی علاوه بر منطق، صاحب آثاری چون ادب صغیر یا وجیز و ادب کبیر یا ادب خرد و کلان راهبردی است. (۲۸)

ابن مسکویه، (قرن چهارم هجری) صاحب کتاب تجارب امم، حکمت خالده و اخلاق نیز از نظریه پردازان برجسته این حوزه است. (۲۹) خواجه نظام الملک طوسی در قرن پنجم، برجسته ترین شخصیت شاخص این گرایش و نماینده برتر آن می باشد. کتاب سیاست نامه یا سیرالملوک وی، حاوی نظرات و بلکه نظریه جامع سامان دهی و راهبرد ملی کشور یا اصول و مبانی سیاست گذاری - سیاست مداری و آئین جامع مملکت داری است. (۳۰)

البته از نظر بنیادنگری، جامعیت و سازواری درونی - بیرونی؛ یعنی هم از حیث بنیادهای نظری و نیز کارآمدی، نظریه فنی سیاسی خواجه نصیر، به طور یقین برتری روشنی بر نظریه فنی سیاسی خواجه نظام دارد. چراکه جنبه یک سویه نگری دینی و جانب گیریهای دولتی و سلطنتی خواجه نظام، گاه بر نظریه بی طرفانه علمی - فنی وی غلبه می یابد. باصطلاح مرز عقیده سیاسی و دانش سیاسی وی در هم می پیچید. محمد بن طباطبایی شیعی در کتاب الفخری (۳۱) و نیز قلقشندی، در کتاب صبح الاعشی، از نظریه پردازان عمده این گرایش می باشند. کتاب های زیادی از قبیل کلیله و دمنه، انوار سهیلی کاشفی، قابوس نامه و مرزبان نامه، در این گرایش نگاشته شده اند. (۳۲) نیز آثار بسیاری تحت عناوینی همچون اخلاق محسنی کاشفی، اخلاق جلالی اثر دوانی، آیین شهریار، دستورالوزرا، سیرالملوک و حتی تا حدودی سلوک الملوک خنجی اصفهانی که بیشتر آمیزه ای فقهی - فنی سیاسی بوده و نیز نصیحة الملوک غزالی در این زمینه می باشند. (۳۳)

فلاسفه ای همچون فارابی نیز که به طور مستقیم وارد فن سیاسی نشده اند، اما به فلسفه فن سیاسی، بسان فلسفه فقه سیاسی و فلسفه علم سیاسی توجه داشته و بدانها پرداخته اند. (۳۴) انبوه آرا و آثار ادبی مانند بوستان و گلستان سعدی، فیلسوف - دانشمند -

ادیب نامدار، چهار مقاله نظامی و آثار جامی، از جمله بهارستان وی، حدیقه سنایی و از قبیل اینها، مشحون از نظرات و دیدگاهها و حتی نظریه جامع در این گرایش هستند. (۳۵) این گرایش در بردارنده رویکردهای اخلاقی عملی، همچون کیمیای سعادت غزالی، معراج السعاده نراقی و نیز عرفان عملی چون مجمع البحرین ابرقویی و مرصاد العباد نجم‌الدین رازی، شاگرد نجم‌الدین کبری، هم می‌باشد. (۳۶)

به تعبیری این گرایش به تناسب شوون سه‌گانه سیاست و نیز علم سیاست، شامل اهم موارد زیر می‌باشند:

۱. فن مهندسی یا معماری سیاسی یا باصطلاح چگونگی و راهبردهای تمکن و استقرار نهادها و سامان‌دهی و تقسیمات کشوری و اداری کشور.
۲. فن مدیریت سیاسی یا راهبرد و اداره کشور.

۳. فن پزشکی سیاسی یا طب، آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی سیاسی و تأمین بهداشت و سلامتی روانی، فکری و جسمی مملکت و مردم و نیروها و نهادها و جریانات مربوط و باصطلاح حفظ عالم از مرض و بازگرداندن سلامتی به کشور در صورت مرض و آسیب. (۳۷)

به اعتباری دیگر، گرایش فنی سیاسی در تداوم طرح اصول و مبانی نظری یا باصطلاح مرامنامه سیاسی کشور که توسط سایر گرایش‌ها انجام می‌پذیرد، در حقیقت اساسنامه یا سازمان سیاسی کشور را ترسیم و تنظیم نموده و راهبردها و راهکارهای اجرایی آن را نیز تبیین می‌نماید.

اوضاع و مسائل و نیروها، نهادها، نظام‌ها یا سازمان‌ها و سیاست‌ها یا خط مشی‌های اقتصادی سیاسی، اجتماعی - فرهنگی سیاسی، اداری - سازمانی، حقوقی - قضایی - کیفری، حتی دفاعی - امنیتی - انتظامی و چه بسا طبیعی - جغرافیایی و باصطلاح محیط‌زیست، از جمله جریانات اصلی این گرایش محسوب می‌گردند. هرگونه مطالعه یا توصیف و تبیین و نیز تجویز و توجیه در کلیه زمینه‌های فوق، از قبیل نظام و سیاست اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و دفاعی و مانند اینها، محورهای موضوع گرایش فنی سیاسی می‌باشند. (ن ۷)

(نمودار ۷): ارکان سیاست ملی (عمومی کشور)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حاصل

دانش سیاسی مسلمانان بویژه در سنت اسلامی - ایرانی را می توان یک جریان واحد تلقی نمود. جریانی با روند تاریخی از صدر اسلام تاکنون که مرکب از دو سیر کلی حیات یا تأسیس و تجدید حیات یا بازسازی است. سیر نخست اندیشه و دانش سیاسی در عین حال از جهات گوناگون، زیربنای سیر جدید آن می باشد.

این جریان اندیشگی و دانش سیاسی؛ اولاً. دارای بنیادهای عمیق و ریشه دار و نیز گستره وسیع و فراگیر است، ثانیاً. آمیزه ای متشکل از گرایش های گوناگون و متعدد است. عمده ترین این گرایش های سیاسی، عبارتند از گرایش های چهارگانه فلسفی، علمی، فقهی و عملی سیاسی.

این گرایش های فکری سیاسی، همگی با هم و به صورت جریانات متنوع و متفاضل، اجزا و فرآیندهای اندیشه و دانش سیاسی مسلمانان را تشکیل می دهند. به اعتباری دیگر، اندیشه و دانش سیاسی بویژه در سنت اسلامی - ایرانی، نظام و منظومه ای معین از نگرش ها، گرایش ها و نظریه های سیاسی چهارگانه فوق می باشد.

کما اینکه هر یک از این گرایش‌ها، دارای سرشت و سرنوشت خاص خویش و مسائل و شخصیت‌ها و آرا و آثار ویژه خود بوده که در عین حال با سایر گرایش‌ها عجین و به هم پیوسته است، بدون آنکه در هم بوده یا آمیخته باشند.

به نظر می‌رسد بازآوری اندیشه و اندیشه‌ورزی سیاسی جدید و نیز بازسازی دانش سیاسی نوین ایرانی - اسلامی که ضرورتی اساسی و بلکه حیاتی و سرنوشت‌ساز دارد، با این سنت سترگ و ریشه‌دار میسر است. سنت اندیشگی که با عین و عمل سیاسی در تعاملی پایدار قرار دارد.

یادداشت‌ها

۱. عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، مقدمه و نیز کتاب الاماهة و السياسة: حتی عنوان آن مبین همین معناست. ر.ک. ابن قتیبه دینوری، الامامة و السياسة (تاریخ الخلفاء)، مطبعة مصطفى البابي، ۱۳۸۸ ه.ق.

۲. بدین ترتیب، گرایش‌های فکری سیاسی در تاریخ اسلام و ایران، عبارت از گرایش فلسفی سیاسی، کلامی سیاسی، اخلاق نظری - عملی سیاسی، عرفان نظری - عملی سیاسی و حتی منطق و روش‌شناسی سیاسی، زبان‌شناسی، ادبیات و خطابه، جدل و سفسطه و برهان سیاسی، شناخت‌شناسی، معرفت‌شناسی سیاسی و نیز علمی سیاسی (شامل روانشناسی سیاسی، انسان‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جغرافیای سیاسی و اقتصاد سیاسی، تاریخ سیاسی فلسفی، علمی، عملی و عملی)، فقه سیاسی (و اصول فقهی سیاسی) عملی و اجرایی سیاسی و نیز جاری سیاسی (و تحلیلی سیاسی). این گرایش‌های گوناگون تحت چهارگرایش عمومی اصلی فلسفی، علمی، فقهی و فنی سیاسی فراهم آمده و جمع‌بندی و سازمان‌دهی شده‌اند.

۳. اخوان الصفاء، الرسائل، رسائل (پنج‌جاه و یک گانه)، در ۴ مجلد، قم، مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۵۰ ه.ق.

۴. ابوالحسن عامری، الاعلام بمنابق الاسلام، ترجمه شریعتی و منوچهری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.

۵. اخوان الصفاء، همان.

۶. حسین ابن سینا، الشفا، راجعه مذکور، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۳؛ محمد خواجه‌نصیر، اخلاق ناصری، تصحیح مینوی، ج ۳، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴؛ قطب‌الدین شیرازی، درة التاج، ج ۳، به اهتمام مشکوة الدینی، تهران ۱۳۲۷؛ میرداماد، القبسات باهتمام مهدوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷؛ محمد صدرا، مبدأ و معاد ترجمه اردکانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۲؛ محمد

- صدرا، شواهد الربوبیه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی؛ روح‌الله امام خمینی، مصباح الهدایة الی الولاية والخلافة، ترجمه فهری، تهران، پیام آزادی، ۱۳۶۰.
۷. خواجه‌نصیر، همان.
۸. فلسفه سیاسی تاریخ بیشتر در حوزه فلسفه سیاسی و بواسطه فلاسفه عمومی - سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. فلسفه تاریخ سیاسی بیشتر در حوزه علمی سیاسی بررسی شده یا مفروض انگاشته شده و به کار رفته است.
۹. ابوالحسن مسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۲، ۱۳۶۵؛ ابوالحسن مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ترجمه پاینده، تهران علمی و فرهنگی، ج ۵، ۱۳۷۴.
۱۰. ابن مسکویه رازی، تجارب الامم، ترجمه فضائلی، تهران، زرین، ۱۳۶۶. نیز: ترجمه امامی، تهران، سروش، ۱۳۶۲.
۱۱. عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه، جلد ۲ ترجمه گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ج ۴، ۱۳۶۲.
۱۲. تاریخ الرسل و الملوک، معروف به تاریخ طبری که ترجمه فارسی آن به تاریخ بلعمی مشهور است. این اثر دارای روشنگریهای خوبی در تاریخ‌گرایی علمی سیاسی می‌باشد.
۱۳. ابوحنیفه، فقه الاکبر (در فقه سیاسی)، شامل مجموعه فتاوی و سیاسی ابوحنیفه در پاسخ‌گویی به نیازهای دولت وقت بود. این اثر توسط ابویوسف جمع‌آوری شده است. این غیر از فقه اکبر به معنای معارف و کلام در مقایسه با فقه اوسط و فقه اصغیر یا شریعت و اخلاق می‌باشد.
۱۴. ابویوسف، الخراج (در فقه سیاسی)، این کتاب را می‌توان دومین اثر فقهی سیاسی مستقل و منسجم در همان اهل تسنن دانست.
۱۵. ابوالحسن ماوردی، الاحکام السلطانیة، صححه الفقی، مصر، مصطفی البابی، ۱۳۵۶؛ نیز: ماوردی، ادب الدنیا و الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷؛ سایر آثار از قبیل حسین ابویعلی فرا، الاحکام السلطانیة، تهران، مرکز النشر، ط الثانی، ۱۴۰۶ هـ.
۱۶. رک: ۱. محمد رشیدرضا، وحی محمدی، ترجمه خلیلی، تهران، اختیام، ج ۲، ۱۳۶۱؛ حمید عنایت، اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲، مبحث رشیدرضا.
۱۷. عبدالکریم خطیب بغدادی، تاریخ بغداد؛ وی معتقد است که کتاب ماوردی با توجیه نقادی‌ها و بلکه اتهامات شیعه به نظریه سیاسی خلافت اهل سنت نزدیک‌تر می‌باشد.
۱۸. آیت‌الله حسین نائینی، تنبیه الامة و تنزیه الملة یا حکومت اسلامی، مقدمه طالقانی، تهران، سامی انتشار، ج ۷، ۱۳۶۰.
۱۹. روح‌الله خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۲۰. حسین علی منتظری، فقه سیاسی، ج ۴، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸ هـ. این کتاب

توسط ابوالفضل شکوری ترجمه شده است.

۲۱. ر.ک.: نوبختی، فرق شیعه، ترجمه مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱؛ نیز اشعری قمی با سعدین عبدالله، المقالات و الفرق، صحنه مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۰؛ اسماعیل اشعری، مقالات السلامیین و اختلاف المعیلین، ترجمه مؤیدی، تهران، امیرکبیر، چ ۳، و محمدجواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، اشراقی، ۱۳۵۵.
۲۲. محمد خواجه نصیر، اساس الاقتباس، تصحیح رضوی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۶۱، ص ۴۴۴.
۲۳. محمد خواجه نصیر، اخلاق ناصری، پیشین، فصل چهارم در سیاست ملک و آداب ملوک، صص ۱۴-۳۰۰ و نیز فصول پنجم تا هشتم در همین راستا هستند.
۲۴. محمد خواجه نصیر، اساس الاقتباس، پیشین، انواع [خطابه] متعلق به مشاوران، صص ۵۷۳-۵۴۷.
۲۵. ابن خلدون، پیشین، چ ۱، صص ۶۰۷-۵۸۹.
۲۶. از جمله خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، صاحب تاریخ مبارک غازانی، جامع‌التواریخ و رسایل؛ ر.ک.: ۱. سیف‌الدین عقبلی، آثار الوزرا، تصحیح حسینی (محدث)، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴، صص ۲۲۲-۲۸۴.
۲۷. هاشم رجب‌زاده، آئین کشورداری در عهد فضل‌الله رشیدالدین، تهران، توس، ۱۳۵۵؛ و نیز شخصیت‌هایی همچون ابوعلی بلعمی، عمیدالدین کندری، قائم‌مقام فراهانی و حتی امیرکبیر و مانند اینها.
۲۸. عبدالله ابن مقفع، صاحب ادب کبیر (کلان و راهبری) و ادب صغیر (یا وجیز، خرد یا فردی) و آثاری چون منطق، ادب و وجیز وی از جمله توسط خواجه نصیر ترجمه شده و در ضمیمه کتاب اخلاق محتشمی وی چاپ شده است. ر.ک.: محمد خواجه نصیر، اخلاق محتشمی، تصحیح دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۶۱، صص ۵۵۹-۴۹۵.
۲۹. ابوعلی مسکویه رازی، تجارب امم، پیشین؛ مسکویه رازی، تهذیب اخلاق و تطمیر الاعراق، قم، بیدار، ط ۳، ۱۴۱۱ ه.ق؛ خواجه نصیر، قسمت نخست در اخلاق ناصری خویش که در حقیقت اساس و عنصر اصلی فلسفه سیاسی، علم و فن سیاسی وی محسوب می‌گردد، از اخلاق ابن مسکویه بهره جسته و از آن اقتباس نموده است.
۳۰. ابوعلی حسن خواجه نظام طوسی، سیاست نامه (سیرالملوک)، تصحیح علامه قزوینی، تهران، زوار، ۱۳۳۷.
۳۱. محمد طباطبایی، الفخری (در آداب ملک‌داری دولت‌های اسلامی)، ترجمه گلبایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۳-۱۳۶۷. و با وجود اینکه، شیعیان امکان یا نیاز به ارائه نظر در فقه و فن سیاسی را که ارتباطات مستقیم‌تر و محسوس‌تری با سیاست‌های روز داشت، نمی‌یافتند. صحیح الاعشی قلفشندی، بیشتر در آیین و آداب دیپلماسی اعم از نمایندگی سیاسی و نیز مذاکرات

سیاسی خارجی می‌باشد.

۳۲. نصرالله منشی، کلیله و دمنه، تصحیح مینوی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۶۱؛ حسین واعظ کاشفی، انوار سهیلی، تهران، امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۶۲؛ عنصرالمعانی قابوس بن وشمگیر، قابوس‌نامه، به اهتمام یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۴، ۱۳۶۶؛ میرسیدعلی همدانی، ذخیره‌الملوک، تصحیح انواری، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸؛ سعدالدین وراوینی، مرزبان‌نامه، به کوشش خطیب، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۶۳.

۳۳. حسین واعظ کاشفی، اخلاق محسنی، تصحیح مدرس، تهران، کتابخانه علمی‌حامدی، ۱۳۵۸؛ اخلاق جلالی، دوانی نیز از این جمله می‌باشد. البته با رویکردی تقریباً فلسفی؛ از جمله: محمد احمد قرشی ابن‌اخوه، آئین شهریار، ترجمه شعار، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۲؛ خوند میر، دستورالوزرا، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۵۵؛ سیف‌الدین عقیلی، آثار الوزرا، تصحیح ارموی (محدث)، تهران، اطلاعات ۱۳۶۴؛ محمد غزالی طوسی، نصیحة‌الملوک، این اثر منسوب به غزالی می‌باشد؛ محمد غزالی طوسی، کیمیای سعادت، تصحیح آرام، تهران، مرکزی، چ ۷، ۱۳۵۵.

۳۴. از جمله در فصل پنجم احصاء العلوم. رک: ابونصر محمد فارابی، احصاء العلوم، ترجمه خدیوم،

تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۴. انتشارات زرنگی

۳۵-۳۶. سعدی، گلستان، کلیات سعدی، به اهتمام فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، صص ۲۰۲-۲۷۷. سعدی، بوستان، همان، صص ۷۵۷-۲۰۳. چهار مقاله نظامی، بهارستان جامی، آدم سنایی، حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸ و نیز نجم‌الدین رازی، مرصاد العباد، به اهتمام ریاحی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۶، ۱۳۷۴؛ ملا احمد نراقی، معراج‌السعادة، تهران، رشیدی، بی‌تا؛ مجمع البحرین ابرقویی نیز بیشتر در سیاست با رویکردی عرفانی یا عرفان سیاسی است. همانند نجم‌الدین رازی، مرصادالعباد به اهتمام ریاحی، تهران، علمی و فرهنگی، چ ۶، ۱۳۷۲؛ حتی عزالدین نسفی، الانسان الکامل، تهران، طهوری، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۳۷. برای نمونه، ابوالحسن مسعودی در التنبیه و الاشراف و از آن جامع‌تر، فارابی در فصول‌المنتزعه یا فصوص مدنی به تفصیل به علم - فن طب سیاسی، علوم پایه پزشکی سیاسی از جمله تشریح یا عضوشناسی - پیکرشناسی (فیزیولوژی - آناتومی) سیاسی، اجای دانش - فن پزشکی سیاسی بویژه دردشناسی، علت یا میکروب‌شناسی، داروشناسی و درمان‌شناسی - معالجه - جراحی سیاسی و نیز ارکان دانش - فن طب سیاسی شامل آسیب‌شناسی سیاسی - آسیب‌زدایی سیاسی و بهداشت یا پیشگیری سیاسی، درمان سیاسی یا اصلاح و جراحی سیاسی یا انقلاب سیاسی پرداخته است. وی در احصاء العلوم، فصل پنجم - علم مدنی به این مباحث پرداخته و رساله الردعی جالینوس (طیبی)، رساله اعضاء الحیوان و رساله اعضاء الانسان فارابی نیز مشحون از مطالب پزشکی با رویکرد سیاسی هستند.